

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه بحث گذشته

محقق اصفهانی در تحلیل جبر و اختیار، دیدگاه آخوند خراسانی را بررسی کرده و اشکالاتی به آن وارد می‌کند. آخوند معتقد است که اگر اراده‌ی الهی مستقیماً به فعل تعلق بگیرد، بدون در نظر گرفتن اراده‌ی بنده، نتیجه‌ی آن جبر خواهد بود. اما اگر اراده‌ی خداوند به فعلی که از بنده با اختیار صادر می‌شود تعلق گیرد، جبر منتفی خواهد شد. اشکال اصلی این نظریه آن است که خود اراده نیز از ممکنات بوده و نیاز به علت دارد. محقق اصفهانی اشکال را در سه فرض مطرح می‌کند: 1- وجوب فعل به اراده‌ی الهی: در این صورت، باید گفت که خداوند افعال بندگان را مستقیماً رقم می‌زند، اما وی این امر را محال می‌داند. 2- وجوب فعل به اراده‌ی فاعل: اگر بگوییم فعل به دلیل اراده‌ی فاعل ضروری است، این امر جبر محسوب نمی‌شود بلکه تأکیدی بر اختیار است. 3- وجوب خود اراده: چالش اصلی این است که اگر اراده‌ی فرد ضرورت داشته باشد، دیگر اختیار معنا ندارد. اما محقق اصفهانی استدلال می‌کند که حتی در این صورت، فعل اختیاری باقی می‌ماند. وی تأکید می‌کند که ملاک اختیار، "إذا شاء فَعَلَ" است، یعنی اگر فرد بخواهد، فعل را انجام می‌دهد، نه این‌که "إذا شاء شاء" یعنی اگر بخواهد، بخواهد! در غیر این صورت، مفهوم اختیار حتی در مورد خداوند نیز از بین خواهد رفت. همچنین، ایشان بین وجوب اراده در خداوند و انسان تمایز قائل شده و می‌گویند که در انسان، اراده واجب بالغير است، اما این وجوب مانع از اختیار نمی‌شود. او نتیجه می‌گیرد تا زمانی که فعل از روی اراده‌ی فاعل صادر شود، اختیاری است، حتی اگر خود اراده ضرورت داشته باشد. این تحلیل، پاسخی قاطع به جبری‌ها ارائه داده و نشان می‌دهد که وجوب اراده دلیلی بر جبر نیست، بلکه فعل اختیاری را تأیید می‌کند.

دیدگاه محقق نائینی در باب اختیار

محقق نائینی در پاسخ به مسئله‌ی ارتباط اراده و حرکت عضلات، دیدگاهی متفاوت از نظر مشهور ارائه می‌دهد. آنچه در اینجا بیان می‌شود، بر اساس آنچه در اجود التقريرات نقل شده و همچنین به نقل از مرحوم اصفهانی در پاورقی نه‌ایه الدرایه بررسی خواهد شد. ایشان می‌فرماید:

فالحق فيه أيضاً ان هناك مرتبة أخرى بعد الإرادة تسمى بالطلب و هو نفس الاختيار و تأثير النفس في حركة العضلات وفاقاً لجماعة من محققي المتأخرين و منهم المحقق صاحب الحاشية (قده) و البرهان عليه أن الصفات القائمة بالنفس من الإرادة و التصور و التصديق كلها غير اختيارية فان كانت حركة العضلات مترتبة عليها من غير تأثير النفس فيها و بلا اختيارها فيلزم أن لا تكون العضلات منقادة للنفس في حركاتها و هو باطل وجداناً فان النفس تامة التأثير في العضلات من دون ان يكون لها مزاحم في سلطانها و ملكها و للزم أن تصدق شبهة امام المشككين في عدم جواز العقاب بان الفعل معلول للإرادة و الإرادة غير اختيارية و ان لا يمكن الجواب عنها و لو تظاهر الثقلان كما ادعاه و اما الجواب عنها بان استحقاق العقاب مترتب على الفعل الاختياري أي الفعل الصادر عن الإرادة و ان كانت الإرادة غير اختيارية فهو لا يضمن و لا يغني عن جوع بداهة أن المعلول لأمر غير اختياري غير اختياري و تسميته إرادياً من جهة سبقه بالإرادة من غير اختيار لا يوجب عدم كون العقاب ظلماً و تعدياً في حق العبد المسكين العاجز المقهور في إرادته التي لا تنفك عن الفعل بل يلزم أن يكون الباري جل و علا مقهوراً في أفعاله فان الإرادة التي هي علة تامة لوجود المعلولات عين ذاته و من البديهي أن ذاته تعالى و تقدس غير اختيارية له تبارك و تعالی. [1]

## اضافه شدن عنصر "اختیار" به فرآیند اراده

مشهور معتقدند که فرآیند تصمیم‌گیری و انجام فعل شامل سه مرحله است: 1- تصور فعل؛ 2- تصدیق به فایده‌ی آن؛ 3- ایجاد اراده برای انجام فعل. پس از این مراحل، بلافاصله حرکت عضلات رخ می‌دهد. اما محقق نائینی نظریه‌ای متفاوت دارد و معتقد است که میان اراده و حرکت عضلات، یک عنصر چهارم به نام "اختیار" یا "طلب" وجود دارد. وی این عنصر را از اوصاف نفس نمی‌داند، بلکه آن را "فعلی از افعال نفس" معرفی می‌کند. بنابراین، روند انجام فعل از دیدگاه ایشان چنین است: 1- تصور؛ 2- تصدیق به فایده؛ 3- اراده (که امری قهری و غیر اختیاری است)؛ 4- اختیار (فعل نفس)؛ 5- حرکت عضلات.

بر اساس این نظریه، نسبت میان اختیار و حرکت عضلات، نسبت "فعل و فاعل" است، نه نسبت "علت و معلول". این بدان معناست که نفس، با اختیار، حرکت عضلات را ایجاد می‌کند؛ اما این ایجاد، نه از طریق یک رابطه‌ی جبری علت و معلولی، بلکه از طریق یک فعل فاعلانه صورت می‌گیرد.

## استدلال محقق نائینی بر وجود اختیار

محقق نائینی استدلال خود را بر پایه‌ی سلطنت نفس بر حرکت عضلات بنا می‌نهد. وی می‌گوید: نفس، سلطه‌ی کامل بر حرکت عضلات دارد و این امری بدیهی است اگر حرکت عضلات مستقیماً معلول اراده باشد، و از آنجا که اراده امری قهری و غیر اختیاری است، پس باید حرکت عضلات نیز غیر اختیاری باشد. این در حالی است که ما به روشنی درک می‌کنیم که بر حرکات عضلات خود سلطه داریم و آن‌ها را تحت اراده‌ی خود انجام می‌دهیم. بنابراین، باید میان اراده و حرکت عضلات، یک عنصر اختیاری وجود داشته باشد که هم فعل نفس باشد و هم حرکت عضلات را ایجاد کند؛ این همان چیزی است که وی آن را "اختیار" می‌نامد.

در نتیجه، مرحوم نائینی با افزودن عنصر "اختیار" به فرآیند انجام فعل، تلاش می‌کند تا از یک سو، اختیار انسان را حفظ کند و از سوی دیگر، ارتباط میان اراده و حرکت عضلات را توجیه نماید. به اعتقاد او، حرکت عضلات نمی‌تواند مستقیماً معلول اراده باشد، زیرا اراده امری غیر اختیاری است. از این رو، باید عاملی اختیاری به نام "اختیار یا طلب" در نظر گرفت که نفس، آن را ایجاد می‌کند و از طریق آن، حرکت عضلات را تحت سلطه‌ی خود درمی‌آورد.

## تحلیل نظریه‌ی محقق نائینی درباره‌ی ارتباط اختیار و حرکت عضلات

محقق نائینی در تبیین نظریه‌ی خود درباره‌ی رابطه‌ی اختیار، اراده و حرکت عضلات، دیدگاهی ارائه می‌دهد که در فلسفه‌ی متعارف کمتر مورد بحث قرار گرفته است. وی به‌طور خاص، میان علیت و فاعلیت تمایز قائل شده و بر این باور است که رابطه‌ی میان نفس و حرکت عضلات، رابطه‌ی فاعلیت است، نه علیت و معلولیت.

### 1. تمایز میان فاعلیت و علیت

نائینی تصریح می‌کند که هر ارتباطی میان دو شیء، یا از جنس علیت است یا از جنس فاعلیت. در این میان، علیت، سبب صدور معلول به‌صورت جبری می‌شود، یعنی معلول ناگزیر از تحقق است. فاعلیت، رابطه‌ای است که در آن، فاعل فعل را انجام می‌دهد، اما فعل از او به‌صورت جبرگونه صادر نمی‌شود. بر این اساس، نائینی می‌گوید: نفس علت حرکت عضلات نیست، بلکه فاعل آن است. اگر رابطه‌ی علیت برقرار بود، در آن صورت حرکت عضلات نمی‌توانست اختیاری باشد، بلکه باید قهری و جبری تلقی می‌شد.

### 2. نقش "اختیار" به عنوان عنصر چهارم در افعال انسان

در نظریه‌ی نائینی، علاوه بر سه عنصر رایج در تحلیل افعال ارادی (تصور، تصدیق به فایده، و اراده)، عنصر چهارمی به نام "اختیار" مطرح می‌شود که نفس آن را ایجاد می‌کند. این اختیار همان چیزی است که سبب تحقق حرکت عضلات می‌شود. بنابراین، اختیار یک فعل از افعال نفس است، نه یک صفت نفس. این اختیار توسط خود نفس خلق می‌شود و نیازی به علت

خارجی ندارد. نفس، اختیار را ایجاد کرده و اختیار، منشأ حرکت عضلات می‌شود.

### 3. پاسخ نائینی به اشکالات مطرح شده درباره‌ی اختیار

ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر اختیار خود امری اختیاری است، پس آیا نیاز به یک اختیار دیگر ندارد؟ این امر می‌تواند منجر به تسلسل بی‌پایان شود، یا اینکه بگوییم اختیار انسان به اراده‌ی الهی بازمی‌گردد که در آن صورت جبر لازم می‌آید. نائینی برای حل این اشکال می‌گوید: اختیار بالذات از نفس می‌جوشد. نفس، خود خالق اختیار است و این اختیار نیازی به علت خارجی ندارد، بلکه منشأ آن درون خود نفس است.

### 4. نسبت فعل انسان با خداوند در نظریه‌ی نائینی

نائینی در ادامه توضیح می‌دهد که فعل انسان دو اسناد حقیقی دارد:

1. نسبت به خود انسان: زیرا نفس، فاعل مستقیم فعل است و اختیار از سوی خود او ایجاد می‌شود.
2. نسبت به خداوند: زیرا نفس برای آنکه بتواند اختیار داشته باشد، نیازمند قدرت و اراده است که خداوند این فیض را به او افاضه کرده است.

در اینجا، نائینی تأکید می‌کند نباید تصور کرد که فعل انسان دارای دو علت مستقل است، زیرا اجتماع دو علت تامه بر یک معلول محال است، بلکه باید گفت که یک فعل، دو اسناد حقیقی دارد: از جهت فاعلیت، به انسان نسبت داده می‌شود، و از جهت امکان و نیاز به فیض، به خداوند نسبت داده می‌شود. این همان معنای "امر بین الامرین" است که شیعه به آن معتقد است.

در نتیجه، نظریه‌ی نائینی به عنوان "فرق بین الارادة و الاختیار" شناخته می‌شود. بر اساس این نظریه، حرکت عضلات مستقیماً معلول اراده نیست، بلکه محصول اختیار است. اختیار امری مجزا از اراده بوده و فعل نفس محسوب می‌شود. در حالی که اراده، امری قهری و غیر اختیاری است، اختیار یک فعل اختیاری است که نفس آن را ایجاد می‌کند. رابطه‌ی میان اختیار و حرکت عضلات از جنس "فاعل و فعل" است، نه "علت و معلول". فعل انسان هم به خود او نسبت دارد و هم به خداوند، اما این امر به معنای جبر نیست، بلکه نشان‌دهنده‌ی وابستگی نفس به فیض الهی است. این نظریه، تفسیری دقیق‌تر و عمیق‌تر از رابطه‌ی اختیار، اراده و افعال انسان ارائه داده و از دیدگاه فلسفی، می‌تواند پاسخی مستحکم در برابر شبهات جبرگرایان باشد.

### نقد محقق نائینی بر نظریه‌ی اراده و پاسخ به آن

محقق نائینی در اثنای بحث خود، پس از بیان نظریه‌ی خویش درباره‌ی تمایز اختیار و اراده، به یک دیدگاه دیگر اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد آن دیدگاه شباهتی با نظریه‌ی محقق اصفهانی دارد. این دیدگاه معتقد است که ملاک اختیاری بودن فعل، صدور آن از اراده است، هرچند که خود اراده امری غیر اختیاری باشد. به بیان دیگر، اگر یک فعل از اراده‌ی انسان صادر شود، آن فعل اختیاری محسوب می‌شود، حتی اگر خود اراده، قهری و غیر ارادی باشد. نائینی این پاسخ را رد می‌کند و آن را بی‌فایده و غیرقانع‌کننده می‌داند. استدلال او این است که: اگر یک چیز معلول امری غیر اختیاری باشد، خود آن نیز غیر اختیاری خواهد شد. به بیان دیگر، اگر علت، یک امر غیر اختیاری باشد، معلول آن نیز نمی‌تواند اختیاری باشد.

در برابر این اشکال ایشان می‌توان چنین پاسخ داد که نائینی بدون ارائه‌ی دلیل کافی، این قاعده‌ی کلی را پذیرفته است که "معلول امر غیر اختیاری، غیر اختیاری است". اما این قاعده همواره صحیح نیست، به‌ویژه در مورد اراده. اگر علت، خود "اراده" باشد، معلول آن می‌تواند اختیاری باشد. اراده، با وجود آنکه ممکن است ذاتی و غیر اختیاری باشد، اما فعل ناشی از آن می‌تواند اختیاری باشد. این مطلب در مورد خداوند نیز قابل مشاهده است؛ زیرا اراده‌ی الهی، ذاتی و ضروری است، اما افعال الهی اختیاری محسوب می‌شوند.

محقق نائینی بر این باور است که چون علت (اراده) غیر اختیاری است، پس معلول (فعل) هم غیر اختیاری خواهد بود. اما حقیقت سنخیت میان علت و معلول در مورد اراده متفاوت است؛ اراده، به گونه‌ای است که می‌تواند افعالی را که دو سوی ممکن دارند (اختیار میان دو طرف)، ایجاد کند. پس حتی اگر خود اراده بالذات امری ضروری باشد، فعل حاصل از آن می‌تواند اختیاری باشد.

### تفاوت علیت اراده و ضرورت جبری

یکی از نکات مهم این است که اراده، با جبر تفاوت دارد. حتی اگر بگوییم که اراده‌ی یک فرد، معلول عوامل دیگر است، اما همین‌که شخص بر مبنای اراده‌ی خود تصمیم می‌گیرد و می‌تواند بین دو طرف انتخاب کند، برای اختیاری بودن فعل کافی است. در واقع، اراده به عنوان علت، با علیت جبری تفاوت دارد، چرا که اراده خود ماهیتی دارد که با اختیار سازگار است.

با این توضیحات، می‌توان نتیجه گرفت که اشکال نائینی مبنی بر اینکه "معلول امر غیر اختیاری، غیر اختیاری خواهد بود" در همه‌ی موارد صادق نیست، به ویژه در مورد اراده، این قاعده اعتبار ندارد. در حقیقت، سنخیت میان اراده و فعل، به گونه‌ای است که حتی اگر خود اراده امری ضروری باشد، فعل ناشی از آن همچنان می‌تواند اختیاری باشد. بنابراین، نقد نائینی بر دیدگاه "اختیاری بودن فعل به دلیل صدور آن از اراده" تمام نیست؛ زیرا وی یک قاعده‌ی کلی را بدون تحلیل دقیق مورد پذیرش قرار داده است.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ

### پاورقی

[1] - محمدحسین نائینی، أجدود التقريرات، ابوالقاسم خویی (قم: مطبعة العرفان، 1352)، ج 1، 89-91.

### منابع

- نائینی، محمدحسین. أجدود التقريرات. ابوالقاسم خویی. ج 2. قم: مطبعة العرفان، 1352.